

□ جزیره اپستین، شوک تمدنی غرب □ وقتی جهان، نگران است و ایران، استوار □ قرآن نمی سوزد □ مردم چگونه اعتراض کنند؟  
□ دشمنی آمریکا، ذاتی و همیشگی □ من نابودگرم □ چگونه نزدیک قله ایم؟ □ مجرم اصلی

## جزیره اپستین، شوک تمدنی غرب

قدرتمند اعتماد ندارد. این بحران اعتماد، ریشه در فرهنگی دارد که دهه ها شعار دفاع از حقوق کودکان سر داد، اما در عمل، جزیره ای رابه مرکز آزار هزاران کودک بدل کرد و نام برخی از آنها را با غول های فناوری و سیاست گره زد.

در این میان، نقش سرویس های اطلاعاتی به ویژه ارتباط اپستین با رابرت ماکسول، جاسوس برجسته موساد،

ابعاد این پرونده را از یک رسوایی

جنسی فراتر برده و به یک

پروژه ژئوپلیتیک تبدیل

کرده است. تحلیلگران

معتقدند جزیره اپستین

می توانست یک «تله

عسل» (Honey Trap)

عظیم برای جمع آوری اطلاعات حساس از

نخبگان جهانی و اعمال نفوذ بر آنها باشد. اگر

چنین باشد، آنچه رخ داده، نه یک آسیب شناسی

اجتماعی، بلکه نمایشی از شیوه حکمرانی در

تاریک ترین لایه های قدرت غربی است.

بنابراین، جزیره اپستین تنها یک نقطه سیاه در

جغرافیای کارائیب نیست؛ آینه ای تمام نما از تمدنی

است که شعارهای انسان گرایانه اش در برخورد با اولین

موج رسوایی، رنگ باخت. این رسوایی ثابت کرد که در

غرب، ارزش های لیبرال دموکراسی تا جایی محترم اند

که به منافع قدرت های پنهان و شبکه های ثروت

برخورند. وقتی پای هزاران کودک قربانی در میان

است، رسانه های غربی یا سکوت می کنند یا

چنان با احتیاط از کنار آن می گذرند که گویی

با یک حادثه عادی روبرویند. این «شوک

تمدنی» پرسشی بنیادین پیش روی

جهانیان می گذارد: آینده بشریت در

دست تمدنی که چنین شکاف

عمیقی میان شعار

و عمل دارد، به

کجا خواهد

انجامید؟

آنچه این روزها با انتشار اسناد جدید از پرونده جفری اپستین، بار دیگر افکار عمومی جهان را تکان داده است، تنها ابعاد تازه ای از یک جنایت زنجیره ای نیست، بلکه تصویری تمام نما از ساختار پنهان قدرت در تمدن غرب است.

جزیره «سنت جیمز کوچک» که به «جزیره وحشت» شهرت یافت، نه یک انحراف فردی، بلکه نماد یک شبکه سیستماتیک

از فساد، نفوذ و

معامله گری با

معصومیت

بود که

نخبگان

سیاسی،

اقتصادی و

حتی سلطنتی

غرب را در خود گرفتار

کرده است.

اپستین، سرمایه داری که بدون مدرک دانشگاهی

از کرسی تدریس به وال استریت رسید، به خوبی

در یافته بود که در تمدن غرب، ثروت و قدرت خط قرمز

نمی شناسد. او با تأسیس شبکه ای از چهره های بانفوذ،

عملاً پروژه ای را مدیریت می کرد که در آن، دختران نوجوان

به کالایی برای معاملات سیاسی، تفریح قدرتمندان و حتی ابزاری

برای باج خواهی اطلاعاتی تبدیل می شدند. آنچه این پرونده را به

یک «شوک تمدنی» بدل کرده، نه صرفاً وقوع جنایت، بلکه افشای

این حقیقت تلخ است که نظام های سیاسی غرب، با ادعای

دموکراسی و حقوق بشر، نه تنها با این فساد

برخورد نکردند، بلکه به دلیل نفوذ عمیق

این شبکه در ارکان قدرت، عملاً در برابر

آن سکوت کردند یا حتی به بقای آن

کمک نمودند.

مرگ مشکوک اپستین در سلول انفرادی زندان منهن در اوت

۲۰۱۹، پیش از آنکه بتواند اسرار هزاران صفحه سند و فیلم را فاش

کند، خود فصل تاریک دیگری از این ماجراست. تردیدهای گسترده

عمومی درباره خودکشی او، که بعدها با ادعای دستکاری در ویدئوهای نظارتی

تشدید شد، نشان داد که افکار عمومی غربی دیگر به روایت رسمی نهادهای

Jeffrey Epstein  
Great Saint James

# وقتی جه و ایران، است و نگران است وار



که ایران پیش از انقلاب، یک دولت اقماری در منظومه‌ی امنیتی ایالات متحده بود. پروژه اسفناک کاپیتولاسیون، نماد بارز نقض حاکمیت ملی بود. ایران عملاً به آزمایشگاه مدرنیزاسیون آمریکایی و انبار تسلیحاتی برای حفظ منافع غرب در برابر کمونیسم تبدیل شده بود.

انقلاب اسلامی با تسخیر لانه جاسوسی (که خود انقلابی دوم نامیده شد)، غده‌ی سرطانی نفوذ را خارج کرد. این اقدام، اعلام پایان وابستگی بود. شعار «نه شرقی، نه غربی»، ایران را از دوقطبی جنگ سرد خارج کرد و به یک بازیگر مستقل خودبنیاد تبدیل نمود. امروز اگر ایران در برابر تحریم‌های فلج‌کننده و فشارهای حداکثری خم به ابرو نمی‌آورد، حاصل همان استراتژی قطع نفوذ است که شریان‌های حیاتی تصمیم‌گیری را از کنترل بیگانگان خارج کرده است.

## گره‌گشایان دستاورد انقلاب

زنده کردن روحیه توانمندی و امیدواری، حصا، این رکن این تحلیل، تحول روانی و احیای شناختی ملت ایران است. استعمار ذهن‌ها را تسخیر کرده بود و در دوران پهلوی، نوعی درماندگی بر جامعه حکم فرما بود؛ باوری که ایرانی را ناتوان می‌پنداشت و اوج آمالش را در واردات تکنولوژی و مدیران غربی جستجو می‌کرد. این حقارت ملی، بزرگترین مانع توسعه بود.

انقلاب اسلامی با تزریق روحیه «ما می‌توانیم»، اعتماد به نفس ملی را احیا کرد. دستاوردهای خیره‌کننده در صنایع نانو، هوافضا، بیوتکنولوژی و انرژی هسته‌ای، گواهان صادق این ادعا هستند. این پیشرفت‌ها در شرایطی حاصل شد که کشور در محاصره‌ی کامل علمی و اقتصادی بود. این دستاورد نشان می‌دهد که انقلاب، جوهر وجودی ایرانیان را بیدار کرد و انرژی متراکم تاریخی آنان را به سمت خلق و فناوری بومی هدایت نمود.

جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و ترویج نیهیلیسم فرهنگی، همگی قطعات پازلی بودند که قرار بود ایران را از هویت دینی و مذهبی‌اش تهی کنند.

اما انقلاب اسلامی، این جبر تاریخی را در هم شکست. امام خمینی با احیای اسلام سیاسی، ثابت کرد که دین نه تنها افیون توده‌ها نیست؛ زیرا موتور محرکه‌ی انقلاب‌ها و منبع زایش تمدنی است. دستاورد بزرگ انقلاب، بازگرداندن دین و دین‌داری به ساحت عمومی و حکمرانی بود. این بازگشت، ارائه‌ی قرائتی نواندیشانه از فقه بود که توانایی اداره‌ی جامعه‌ی پیچیده‌ی مدرن را داشت.

## اثربزرگ‌ترین دستاورد انقلاب

بریدن دست نجس آمریکا از ایران، سومین دستاوردی که شاید ملموس‌ترین و در عین حال چالش‌برانگیزترین دستاورد انقلاب باشد، قطع دست استعمار آمریکایی و خارجی از منابع حیاتی کشور است. رهبر انقلاب دقیق و بی‌پرده، از حذف آمریکا از ایران و سپس حذف آمریکا از منطقه سخن می‌گوید. برای درک این دستاورد، باید به یاد آوریم

امروز، خلف صالح خمینی کبیر، سید علی خامنه‌ای، با همان منطق و شجاعت حیدری، در کانون تهدیدات می‌ایستد و به جای پرداختن به حواشی گذرا، به تبیین فلسفه تاریخ انقلاب می‌پردازد. ایشان با ترسیم یک خط‌واصل علی و معلولی، ۱۲ بهمن (ورود امام) را شرط لازم برای تحقق ۲۲ بهمن (پیروزی ساختاری) و ۱۲ فروردین (تثبیت حقوقی و رفاندوم) معرفی می‌کند.

## بارزترین دستاورد انقلاب

گذار از پارادایم الیگارشی و پادشاهی به مردم‌سالاری، نخستین و شاید بنیادین‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی، که رهبری با دقت بر آن انگشت می‌گذارد، تغییر ماهیت حاکمیت است. تا پیش از سال ۱۳۵۷، ساختار قدرت در ایران بر اساس مدل پادشاهی یا همان پادشاهی بنا شده بود. در این مدل، دربار پهلوی، مالک الرقاب جان و مال رعایا محسوب می‌شد. مفهوم شهروند در ادبیات سیاسی آن دوران محلی از اعراب نداشت و مردم، مردمی منفعل در برابر اراده‌ی ملوکانه شاه بودند که خود را سایه‌خدا می‌نامید.

انقلاب اسلامی اما، یک انقلاب تاریخی ایجاد کرد. این انقلاب، قدرت را از لایه‌های متصلب الیگارشی حاکم گرفت و به بدنه‌ی اجتماعی تزریق کرد. مدلی که در آن مشروعیت الهی با مقبولیت مردمی در هم می‌آمیزد. انقلاب ایران با تأسیس جمهوری اسلامی، توده‌های مستضعف را به سوزده‌های سیاسی فعال تبدیل کرد. انتخابات‌های متعدد، شوراها و حضور مردم در صحنه‌های حساس، نشانگر پایان عصر استبداد و آغاز عصر مردم‌سالاری دینی است.

## پرنورترین دستاورد انقلاب

بازگشت دین در عصر دین‌ستیزی، دومین دستاورد متمایزکننده‌ای که در این منظومه‌ی فکری برجسته می‌شود، حرکت خلاف جهت تاریخ مدرنیته است. نظریه‌پردازان غربی همچون ماکس وبر، فرآیند مدرنیزاسیون را ملازم با افسوس‌زدایی و به حاشیه راندن دین می‌دانستند. رژیم پهلوی نیز با پیروی از الگوی آنتاتورکی، با سرعتی سرسام‌آور ایران را به سمت سکولاریسم رادیکال و دین‌زدایی سوق می‌داد. تغییر تقویم هجری به شاهنشاهی،

## قرآن نمی سوزد

ترس. برایشان در دنیا خواری است و در آخرت عذابی بزرگ» (بقره، آیه ۱۱۴).

دقت کنید: «نباید وارد شوند؛ مگر با ترس». یعنی خودشان هم می فهمند چه کار زشتی کرده اند. آن لحظه که دارند سنگ می زنند و آتش می زنند، شاید کسی جلوشان نیست؛ اما بعدش، توی دلشان یک ترسی می نشیند. ترس از چیزی که نمی توانند بفهمندش. ترس از صاحب این خانه. و این ترس، تا همیشه با آنها می ماند.

چرا کسی به خودش جرات می دهد قرآن را آتش بزند؟ غیر از این است که از خودش عصبانی است؟ از ناتوانی خودش؟ قرآن این جور آدم ها را توصیف کرده: «هر وقت آتشی برای جنگ روشن کنند، خدا خاموشش می کند. آنها در زمین فساد می کنند و خدا مفسدان را دوست ندارد» (مائده، آیه ۶۴).

آتشی که آن شب روشن کردند، شاید چند مسجد را سوزاند. اما آتش فتنه را خودشان روشن کردند و خودشان هم سوختند. چون این آتش، آتش کینه است و کینه، اول صاحبش را می سوزاند، بعد دیگران را. امروز در فضای مجازی، در محافل رسمی، همه دارند محکومشان می کنند. حتی آنهایی که با نظام میانه خوبی ندارند، این کار را محکوم کردند. چون می دانند خط قرمز همه ایرانی ها، مقدساتشان است.

قرآن یک قانون کلی درباره جریان هایی که با خشونت به جنگ حقیقت می روند دارد: «حق را می زنیم توی سر باطل، خردش می کند و باطل نابود می شود» (انبیاء، آیه ۱۸) مثل کف روی آب. کف همیشه بالاست؛ اما دوام نمی آورد. آب می آید و کف را پس می زند. حقیقت هم همین طور است.

کسی که قرآن را آتش می زند، شاید چند لحظه فکر کند کار بزرگی کرده؛ اما تاریخ نشان داده که همیشه این جریان ها بازنده بوده اند. از نمرود که خواست ابراهیم را بسوزاند تا فرعون که خواست موسی را بکشد. آخرش چه شد؟ نمرود با پشه به هلاکت رسید. فرعون در آب غرق شد. این قانون خداست: «ما پیامبرانمان و کسانی را که ایمان آوردند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان به پامی خیزند، یاری می کنیم» (غافر، آیه ۵۱).

در پایان، قرآن نسوخت؛ نه آن شب، نه هیچ شب دیگر. چون قرآن در کاغذ خلاصه نمی شود. قرآن در دل هاست. همان دل هایی که هر وقت خطری این کتاب را تهدید کند، بیدار می شوند و محکم تر از قبل دورش جمع می شوند. شب حمله به مسجد، خیلی ها شاید تا صبح نخوابیدند. صبح که شد، رفتند همانجا جمع شدند. قرآن خواندند. گریه کردند. عهد بستند که نگذارند این اتفاق دوباره بیفتد.

خدا در سوره اسراء می گوید: «قرآن را نازل می کنیم، که برای مؤمنان درمان و رحمت است، اما ظالم ها را جز ضرر و خسران چیزی اضافه نمی کند» (اسراء، آیه ۸۲). آن شب، ظالم ها خیال کردند دارند کاری می کنند؛ اما ضرر کردند. آنها فهمیدند قرآن در دل هاست و دل ها را با آتش نمی شود سوزاند. دل ها را فقط با مهر می شود فتح کرد. و مهر به قرآن و مسجد و خدا، در دل این مردم زنده است و خواهد ماند.

۱۸ دی ماه، در گوشه و کنار کشور، صحنه هایی

رخ داد که دیدنش را برای هرکس سخت می کرد. عده ای به مساجد حمله کردند. درهای برخی را شکستند، فرش ها را آتش زدند و قرآن ها را هم برداشتند و انداختند میان شعله ها. شاید با خودشان فکر می کردند دارند ریشه چیزی را می سوزانند. شاید هم اصلاً فکر نمی کردند. فقط خشم بود و بنزین و کبریت. اما یک سؤال این وسط هست که شاید برای خودشان هم پیش نیامده بود: اصلاً با چه داری می جنگی؟ با یک کتاب کاغذی یا با چیزی که توی دل میلیون ها نفر خانه کرده؟

قرآن، قبل از اینکه به دست آدم ها برسد، یک جایی ثبت شده که دست هیچ موجودی به آن نمی رسد. «بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجیدٌ\* فِی لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ» (بروج، آیه ۲۱-۲۲)؛ اما برای ما آدم های زمینی، یک وعده دیگر هم داده: «مَا قُرْآنٌ رَّا نازل کردیم و خودمان هم نگهبان آنیم» (حجر، آیه ۹). این یعنی چه؟ یعنی خدا خودش ضمانت کرده که این کتاب را حفظ کند؛ نه با سپاه و ارتش، نه با دیوار و در و زنجیر. با یک چیز محکم تر؛ با دل آدم ها. همان دل هایی که شب حمله به مسجد، توی خانه هایشان می سوخت برای قرآنی که سال ها با آن خاطره داشتند.

آدم وقتی چیزی را دوست داشته باشد، نمی گذارد از بین برود. حتی اگر همه دنیا جمع شوند، نمی توانند آن را از دلش بیرون کنند. قرآن ۱۴۰۰ سال است که با این روش حفظ شده. کتاب های آسمانی دیگر را تحریف کردند چون دیگر کسی نبود برایشان دل بسوزاند؛ اما این کتاب، هر روز توی مسجدها و خانه ها خوانده می شود. هر روز کودک و پیر و جوان با آن انس می گیرند. آتش که به چنین چیزی نمی رسد.

قرآن در سوره توبه، تصویر عجیبی از دشمنان خدا ترسیم می کند: «می خواهند نور خدا را با دهانشان خاموش کنند» (توبه، آیه ۳۲)؛ یعنی فوت کنند تا خاموش شود. انگار کسی جلوی خورشید بایستد و شروع کند به فوت کردن. باد کند گونه هایش، سرخ شود از فشار، اما خورشید یک لحظه هم به خودش بلرزد؟ این همان تصویری است که قرآن از کسی که می خواهد دین خدا را نابود کند، می کشد.

آن شب، عده ای فوت کردند. شاید چند جلد قرآن سوخت. اما فردا صبح، چه اتفاقی افتاد؟ همان حوالی، آدم هایی که شاید ماه ها بود سراغ قرآن نرفته بودند، رفتند توی همان مسجد سوخته نشستند و قرآن خواندند. نه برای نشان دادن به کسی؛ برای خودشان. برای اینکه دلشان آرام بگیرد. برای اینکه بگویند ما اینجا هستیم. انگار آتش، بیدارشان کرده بود. آتشی که می خواست نور را خاموش کند، خودش چراغ شد.

مسجد را ببینیم. حمله به مسجد یعنی چه؟ مسجد فقط یک ساختمان نیست. مسجد خانه مردم یک محله است. بچه ای آنجا نماز یاد گرفته، جوانی آنجا عقد کرده، پیری آنجا برای آخرتش توشه جمع کرده. پول ساختنش را همه داده اند، پیر و جوان، فقیر و غنی. وقتی به مسجد حمله می کنی، داری به خاطرات یک محله حمله می کنی. داری به جایی حمله می کنی که آدم ها توی آن بزرگ شده اند.

قرآن درباره آدم هایی که سراغ مسجدها می روند تا خرابشان کنند، یک سؤال تکان دهنده می پرسد: «چه کسی ظالم تر از آن کس که نگذارد در مسجد ها اسم خدا برده شود و برای خراب کردنشان تلاش کند؟ اینها و نباید وارد مسجد شوند مگر با

## مردم چگونه اعتراض کنند؟

**پرسش:** مردم به برخی از مسائل کشور اعتراض دارند. چگونه اعتراض خود را چطور بیان کنند؟

در پاسخ می‌توان گفت:

۱. اعتراض و انتقاد نسبت به مسایل مختلف کشور، تصمیمات و عملکرد مسئولان، حق مردم است. اصل اعتراض و انتقاد در نظام جمهوری اسلامی بر اساس آموزه‌های دینی و حقوق قانونی پذیرفته شده است. بر اساس قانون اساسی «تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است». کسی با اصل اعتراض و انتقاد مخالفتی نداشته و ما تاکنون شاهد برگزاری تجمعات اعتراضی صنفی و غیرصنفی فراوانی در مقابل مجلس شورای اسلامی و نهادها و سازمان‌های دیگر بدون هیچ مشکل خاص امنیتی بوده‌ایم.

«بررسی اخبار تجمعات حکایت از آن دارد که در سال ۱۴۰۰ دست‌کم ۱۵۰۰ تجمع (قانونی یا غیرقانونی) و در سال ۱۳۹۹ نیز حداقل حدود هزار تجمع (قانونی یا غیرقانونی) با ابعاد و میزان جمعیت متفاوت در شهرهای مختلف کشور

برگزار شده که قریب به اتفاق آنها نیز بدون دخالت نیروهای انتظامی و با مسالمت پایان یافته و قشرها و اصناف گوناگون تجمع‌کننده توانسته‌اند خواست‌ها و مطالبات‌شان را به مسئولان مربوط منتقل کنند»<sup>۲</sup>.

۲. اعتراض و انتقاد و برگزاری تجمع همچون سایر حقوق و رفتارهای اجتماعی و سیاسی نیازمند سازوکارهای قانونی و مشخص است تا از هر گونه سوء استفاده احتمالی از آن جلوگیری به عمل آید. در این راستا اقداماتی برای ضابطه‌مند کردن برگزاری تجمعات در کشور انجام شده است. به عنوان نمونه آیین‌نامه چگونگی

تأمین امنیت اجتماعات و راهپیمایی‌های قانونی در سال ۱۳۸۱ تصویب گردید و در سال ۱۳۹۷ دولت با هدف ساماندهی برگزاری تجمعات، درخصوص پیش‌بینی و تعیین محل‌های مناسب برای برگزاری تجمعات در تهران و مراکز استان‌ها تصمیم‌گیری کرد که البته تأثیر عملی چندانی بر تجمعات نداشته است و تجربه اعتراض‌های کشور در سال‌های اخیر که متأسفانه به آشوب و اغتشاش کشیده شد، حکایت از آن دارد که نیاز به تنظیم سازوکار جامع‌تری برای برگزاری تجمعات وجود دارد و در این زمینه طرح ساماندهی تجمعات در کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس در کارگروه تخصصی در حال بررسی است.<sup>۳</sup>

۳. علاوه بر مسیر قانونی و مصوب، با نوشتن نامه، گرفتن وقت ملاقات از نمایندگان مجلس و مسئولان کشوری و لشکری، دیدار در مراسم و تجمعات و راههای دیگر نیز آحاد جامعه می‌توانند نظرات خود را به رده‌های بالای مدیران کشور، که در دوران ما از میان خود مردم و از جنس خودشان هستند، منعکس نمایند. همگان می‌دانند که امروزه مدیران بخشهای مختلف کشور، تافته جداافتاده نبوده بلکه از میان خود مردم هستند و در بسیاری پستها مانند نمایندگی مجلس و وزارت با انتخاب مستقیم و غیرمستقیم مردم برگزیده می‌شوند و در میان خود مردم زندگی می‌کنند.

**پی‌نوشت:**

۱. قانون اساسی، اصل بیست و هفتم

۲. <https://www.farsnews.ir/news/14010725000458>

۳. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1401/08/29/2807229>

# دشمن ذاتی و هم‌پیشگی آمریکا،

**شبهه:** کشور امارات مثل ایران با آمریکا و دیگر کشورهای مستکبر دشمنی ندارد و در عین حال دارد پیشرفت می‌کند و با توجه به نیروهای داخلی و بدون وابستگی به دولت‌های استکباری برنامه فضایی خود را هم پیش می‌برد و در مسیر تولید علم در حرکت است.

ماهیت اسلامی، استکبارستیزانه و استقلال طلبانه آن است و آنها به چیزی جز دست برداشتن از اصول و ارزش‌های اسلامی و انقلابی راضی نمی‌شوند و این گونه نیست که با عقب نشینی و دست برداشتن از یک مسأله مانند انرژی هسته‌ای ... دشمنی آنان با نظام تمام بشود. از این رو شاهد بودیم که با وجود کوتاه آمدن جمهوری اسلامی در این زمینه و مذاکره با آنها، وقتی این بهانه از دست آنها خارج شد، بهانه‌های دیگری همچون حقوق بشر، توان موشکی و نفوذ منطقه‌ای در دستور کار آنان قرار گرفت و ثابت کرد که دشمنی استکبار با نظام جمهوری اسلامی، یک دشمنی سطحی و ظاهری نبوده و ریشه در ماهیت استکباری، سلطه جویانه و هژمونی طلبی آن و ماهیت اسلامی، استقلال طلبانه، حق طلبانه، سلطه ستیزانه و حمایت‌گرانه جمهوری اسلامی دارد.

تا زمانی که هویت اسلامی و دینی نظام جمهوری اسلامی وجود داشته باشد و ماهیت حق طلبانه و ظلم ستیزانه آن تداوم داشته باشد و در مسیر استقلال و پیشرفت گام بردارد، دشمنی آمریکا نیز با جمهوری اسلامی تداوم خواهد داشت و یگانه راه مقابله با این دشمنی، ایستادگی و پافشاری بر اصول و ارزش‌های اسلامی و انقلابی و ارتقای اقتدار ملی در همه زمینه‌هاست.

نباید تصور کرد که تنها مقاومت در برابر نظام سلطه هزینه دارد و کنار آمدن و سازش با آن هزینه‌ای نداشته و موجب بهبود وضعیت کشور خواهد شد. تجربه کشورهای سازشگر همچون سرنوشت لیبی قذافی، کشورهای عربی، ایران دوره پهلوی و ... نشان از هزینه گزاف سازش دارد که هویت و عزت این کشورها را از بین برده و آنان را تا حافظ منافع غرب و گاو شیرده تنزل خواهد داد.

تنها راه علاج «قوی شدن» در همه زمینه‌هاست. همانگونه که مقام معظم رهبری فرمود: «همه ما این را هم بدانیم که دشمنی [آمریکا، رژیم صهیونیستی و دستگاه استکبار]، موسمی و فصلی نیست؛ این دشمنی، یک دشمنی ذاتی است، دشمنی همیشگی است، هر وقت بتوانند ضربه بزنند، می‌زنند. علاجش این است که ما خودمان را قوی کنیم؛ قوی از لحاظ نظامی، قوی از لحاظ امنیتی، قوی از لحاظ سیاسی، قوی از لحاظ اقتصادی. از جهات مختلف خودمان را قوی کنیم که دشمن نتواند ضربه بزند؛ و الا دشمنی او دشمنی ذاتی است»<sup>۱</sup>.

پی‌نوشت:

۱. www.tasnimnews.com/fa/news/1399/11/08/2440593

۲. بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸

در جواب این مطلب، می‌توان چنین گفت:  
۱. کشور امارات و برخی کشورهای مانند آن گرچه دارای ظاهری پیشرفته هستند؛ اما:

■ پیشرفت این کشور وارداتی و وابسته به آمریکا و برخی کشورهای اروپایی بوده و بومی نیست و با بروز هر گونه بحران و مشکل در این کشورها، این کشور نیز دچار مشکل خواهد شد؛ اما پیشرفتی ارزشمند است که برآمده از فرهنگ و ظرفیت‌های یک کشور باشد.

■ این پیشرفت به قیمت از دست دادن هویت، شرافت، عزت و استقلال این کشور به دست آمده است. امروز این کشور به عنوان یکی از قطب‌های تورسیم جنسی و مرکز فساد و فحشا در جهان شناخته می‌شود. چنین پیشرفتی همچون پیشرفت غرب که پسرفت در انسانیت و اخلاق را به دنبال داشته، شایسته عنوان پیشرفت انسانی نیست. پیشرفتی که در آن هویت یک کشور متلاشی شده و کشور تبدیل به مرکز فساد شود، چه پیشرفت محسوب می‌شود؟

■ این پیشرفت به قیمت سرسپردگی کامل به آمریکا و تبدیل شدن به گاو شیرده آن در کنار عربستان به دست آمده است. پیشرفتی که نتیجه آن حمایت مالی از گروه جنایتکار و تروریستی همچون داعش باشد و در راستای زندگی ذلیلانه تحت رهبری آمریکاست.

■ ممکن است چنین کشورهایی با اجازه آمریکا و کمک این کشور و کشورهای اروپایی ماهواره هم به فضا بفرستند، اما تنها سرمایه آن راداره است و دانش فنی آن رابه دست نیآورده است.

۲. در زمینه تولید، کشور ما با وجود همه فشارها و تحریم‌ها رتبه پانزدهم جهان و رتبه نخست در منطقه را داراست.

به گزارش دو پایگاه معتبر علمی "New Scientist" و "science Metrix" جمهوری اسلامی ایران با نرخ رشد ۱۱ برابر متوسط جهانی رتبه نخست رشد علمی را در بین سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۰۹ دارا بوده است.

از سال ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۱۷ رتبه علمی ایران از رتبه ۵ به رتبه ۱ در منطقه تغییر کرده است که این منطقه شامل کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا است.<sup>۱</sup>

۳. دشمنی آمریکا و نظام سلطه با نظام جمهوری اسلامی به دلیل



گفت: من باید در مسیر نابودگرها حرکت کنم. گفتم: مارک رافالو را که می شناسی؟ همان هالک در دنیای هالیوود. می دانی درباره ترامپ گفته «دنیا با وجود ترامپ، این دیوانه ای که بر سر کار است و همین الان به دنیا اعلام کرد که هیچ قانون بین المللی ای شامل حالش نمی شود، جای بهتری نیست. او هیچ اخلاقی ندارد و یک متجاوز پدوفیل و یک تبهکار است.

دیدم چشم هایش مثل دو گلوله آتش شد و مدارهایش جرقه می زدند.

گفت: خوب بابت را کردی توی کفش هالیوود؛ شاید هم کفش های بزرگ ترامپ!

گفتم: صبر کن این آدم ها همه آمریکایی هستند. باورش سخت است نه؟ تازه یک مورد تاپ و خاص داشتم که از طرف ترامپ تهدید هم شده است.

کمدین مشهور آمریکایی رزی اودانل، ببین چی گفته «خانم ها و آقایان، رئیس جمهور ترامپ، مایه ننگ تمام کشور زیبای ما است. او خطری برای

ملت امریکا است. یک جنایتکار روانی

درمان نشده که یک دهه به امریکا دروغ

گفت. او یک احمق تمام عیار

است. ترامپ با «تصمیمات

وحشتناکش» این کشور را در

معرض خطر قرار داده است....

باز هم بگویم ترمی جون؟

جوابی نداد. صفحه

کامپیوترش اعدادی را همراه

خطوطی مثل نقشه، نشان

می داد. هیکلش داشت تغییر

می کرد.

با صدای اکو شده ای گفت:

همین الان باید بروم نیوزیلند، ماموریت

مهمی دارم، من نابودگرم.

## من نابودگرم

توصیف می کند. راستی آقای کامرون یک جایی هم گفته، «انتخاب مجدد دونالد ترامپ تهوع آوراست».

گفت: اینها لیاقت ترامپ و هالیوود را ندارند.

گفتم: این یک نمونه از کسانی

هست که می خواهد به خاطر

فضای سیاسی کنونی این

کشور که مانع جدی برای کار

حرفه ای است، مهاجرت کند.

کریستین استوارت، بازیگر

نامزد اسکار، گفته است که

احتمالا آمریکا را ترک خواهد

کرد. زیرا به گفته او «واقعیت»

در دوران ریاست جمهوری

دونالد ترامپ در حال «فروپاشی» است

و دیگر نمی تواند در این کشور آزادانه

فعالیت کند.

فیلم تازه تمام شده، منتظر بودم تا بیاید.

گفتم: خیلی خشن و خونریزی.

گفت: من ترمیناتورم، مرا برای نابودگری ساخته اند.

گفتم: بابا کوتاه بیا. کل بشریت را به فنا دادی رفت.

گفت: از لحت خوشم نیامد؛ بوی انسان و آزادی می دهد.

گفتم: باشه، بیا از اول شروع کنیم. فکر کنم الان پول

توی نابودگری و از بین بردن نسل ها و دست درازی

توی نقشه ها و ریشه هاست. درسته؟

گفت: ما آینده بشر هستیم و آینده مال خدایان

هوش مصنوعی است.

گفتم: چه خلاقیتی داشته کارگردان! فکر کن آدم

توی خیابان راه می رود و نمی داند بغل دستی اش

انسان است یا ربات؟

گفت: شاخ هالیوود را می گویی؟ آقای جیمز

کامرون؟

گفتم: بله.. راستی می دانی آقای کامرون امریکا رو

ترک کرده و به نیوزیلند رفته؟

گفت: عجیب است. چرا؟ همه خواب هالیوود را

می بینند، قطب صنعت سینمای جهان.

گفتم: آقای کامرون چند تا مصاحبه داشته که

علت رفتنش را توضیح داده، دل شنیدنش را داری؟

گفت: به من می گویند نابودگر، من از خاکستر بمب

هسته ای متولد شده ام. مجموعه های انسانها زیر

پاهایم خرد می شدند.

گفتم: پس گوش بده. آقای جیمز کامرون اعلام کرده

به دلیل وضعیت سیاسی و اجتماعی، امریکا را برای

همیشه ترک می کند و به زودی شهروند نیوزیلند

خواهد شد. او گفته این تصمیم را برای حفظ

سلامت روانش گرفته است.

او حضور دونالد ترامپ در راس قدرت در امریکا را،

مثل تماشای یک تصادف زنجیره ای به طور مداوم

# چگونه نزدیک قله ایم؟

کسی منکر وجود مشکلات به ویژه در زمینه اقتصادی نیست، اما باید به راهی که طی کرده ایم نگاه کنیم که از کجا شروع کرده ایم و امروز در کجا هستیم.

مشکلات کشور غیر قابل حل نبوده و عمدتاً ماهیت ساختاری و عملکردی داشته و با مدیریت و برنامه ریزی مناسب می توان بر این مشکلات غلبه کرد و این مشکلات چیزی نیست، که بتواند جلوی رشد و پیشرفت و حرکت به سمت قله را بگیرد.

از طرفی شدت یافتن دشمنی های نظام سلطه علیه جمهوری اسلامی ایران، بیانگر حرکت صحیح و مسیر رو به رشدی است که نظام جمهوری اسلامی در پیش گرفته است. اگر این توانمندی و اقتدار نبود، دشمنان، همه توان خود را برای مقابله با آن به کار نگرفته و این همه هزینه نمی کردند.

سلول بنیادی،<sup>۶</sup> سیزدهمین قدرت برتر نظامی، چهاردهمین کشور دارای توانایی غنی سازی اورانیوم، پنجمین کشور تولیدکننده پهپاد رادارگریز و دهمین کشور تولید کننده زیر دریایی در جهان<sup>۷</sup> و... گوشه ای از توانمندیها و پیشرفتهای کشورما و قرار گرفتن کشور ما در مرزهای علم و فناوری روز جهان است که وقتی ارزش آن بیشتر نمایان می شود که توجه داشته باشیم همه این پیشرفت ها و دستاوردها با وجود تحریم و فشارهای دشمنان صورت گرفته است. اگر قرار گرفتن در این جایگاه، نشان از نزدیک شدن به قله پیشرفت و فناوری نیست، نشانه چیست؟

بدیهی است رسیدن به موفقیت و قله همواره با مشکلات و سختیهای روبرو است، راه دستیابی به اهداف هموار نیست. کوهنوردی که در راه فتح قله است، اگر تنها به مشکلات و سختیهای مسیری که در آن قرار دارد، توجه کند و از میزان راهی که طی شده غافل شود، نمی تواند ارزیابی صحیحی از موفقیت خود داشته باشد، اما اگر نگاهش به قله بوده و مسیر طی شده و مشکلات و سختیهای پشت سر گذاشته شده را ببیند، هم نزدیکی به قله را احساس می کند و هم عزم خود را برای رسیدن به قله جزم خواهد کرد.

ما امروز در مجموع با وجود همه مشکلات و کاستیها، سرعت پیشرفت خوبی داشته ایم، اما حس عدم پیشرفت از تأثیرات و اهداف جنگ شناختی دشمن است که با بزرگ نمایی مشکلات کشور، به گونه ای القا می کنند که گویا کشور با انبوهی از مشکلات لاینحل روبروست.

گرچه ممکن است در نگاه اول، با توجه مشکلات کشور به ویژه مشکلات معیشتی و وضعیت اقتصادی و برخی کاستیها، موانع و چالش ها، تعبیر نزدیک بودن به قله، دور از ذهن و تصور، تردیدآمیز بوده و حتی برای بعضی تمسخر آمیز باشد. اگر ما از زاویه مشکلات کشور نگاه کنیم، نزدیکی به قله با توجه به شرایط و مشکلات موجود غیر قابل باور است، اما اگر سطح نگاهمان را بالاتر برده و به اصطلاح کلاهمان را کمی بالاتر بگذاریم و از حیطه مسائل اقتصادی فراتر رفته و یک نگاه کلان نسبت به حرکت کلی کشور داشته باشیم، با توجه به دستاوردها و پیشرفت های کشور و ظرفیت ها، امکانات و توانمندی های کشور، نزدیکی به قله قابل فهم خواهد بود.

ما روزی که انقلاب کردیم کجای معادلات جهان بودیم و امروز با وجود همه فشارها، تحریم و جنگ و انواع دشمنی ها و توطئه ها و کارشکنی ها کجا هستیم؟

پیش از انقلاب مادر عرصه علوم و دستاوردهای علمی که تعیین کننده شاخص های پیشرفت و رشد یک ملت است نه تنها در دنیا بلکه در منطقه جایگاهی نداشتیم، ولی امروز با وجود این همه تحریم ها، فشارها و مانع تراشی دشمنان نه تنها در منطقه بلکه در کل دنیا دارای جایگاه های ممتازی هستیم.

نرخ رشد علمی ۱۱ برابری میانگین نرخ جهانی،<sup>۱</sup> رتبه شانزدهم تولید علم،<sup>۲</sup> چهارمین کشور دنیا در حوزه نانو،<sup>۳</sup> دهمین کشور در

تولید علم فضا و پرتاب ماهواره،<sup>۴</sup> جزو سیزدهم کشور دارنده چرخه کامل سوخت هسته ای،<sup>۵</sup> جایگاه سیزدهم تولید علم

نرخ رشد علمی ۱۱ برابری میانگین نرخ جهانی،<sup>۱</sup> رتبه شانزدهم تولید علم،<sup>۲</sup> چهارمین کشور دنیا در حوزه نانو،<sup>۳</sup> دهمین کشور در تولید علم فضا و پرتاب ماهواره،<sup>۴</sup> جزو سیزدهم کشور دارنده چرخه کامل سوخت هسته ای،<sup>۵</sup> جایگاه سیزدهم تولید علم سلول بنیادی،<sup>۶</sup> سیزدهمین قدرت برتر نظامی، چهاردهمین کشور دارای توانایی غنی سازی اورانیوم، پنجمین کشور تولیدکننده پهپاد رادارگریز و دهمین کشور تولید کننده زیر دریایی در جهان<sup>۷</sup> و... گوشه ای از توانمندیها و پیشرفتهای کشورما و قرار گرفتن کشور ما در مرزهای علم و فناوری روز جهان است

## پی نوشت:

۱. طبق گزارش سال ۲۰۱۰ مجله نیوساینست، ایران دارای سریع ترین نرخ رشد علمی در جهان و بیشترین کشور جهان در عرصه تولیدات علمی بوده است و امروز نیز نرخ رشد علمی در ایران ۱۱ برابر میانگین جهانی است. گزارش این نشریه مستند به آمار و ارقام پایگاه اطلاعاتی وب سایت علم (Web of Science) است: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1401/01/03/2683485>
۲. بر اساس آخرین گزارش دریافت شده از وب آو ساینس (web of Science) معتبرترین و اولین پایگاه استنادی جهان، رتبه تولید علم ایران در جهان در سال ۲۰۲۳، ۱۶ است. کشورما در منطقه و در میان کشورهای اسلامی در سه سال اخیر در رتبه اول قرار داشته است: <https://borna.news/fa/news/1458968>
۳. <https://www.hamshahronline.ir/news/699696>
۴. <https://www.iribnews.ir/fa/news/3814673>
۵. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1397/09/25/1900210>
۶. <https://btid.org/fa/news/236856>
۷. <https://www.isna.ir/news/1402111611745>



## مجرم اصلی

رهبر انقلاب بدون هیچ پرده‌پوشی و بر اساس سند و واقعیت، رئیس جمهور آمریکا را رسماً مجرم خواند. این فقط یک حرف سیاسی نیست؛ بلکه یک اعلام جرم رسمی بر پایه قوانین بین‌المللی است. اتهامات دقیقاً مشخص است: دست داشتن در کشته شدن مردم و ویرانی گسترده اموال و زیربنای کشور، و تهمت زدن به یک ملت. این اتهامات روی کاغذ نیست؛ سندش یک عملیات کاملاً برنامه‌ریزی شده از بیرون مرزهاست که دستگاه‌های امنیتی و سیاسی یک دولت خارجی، از ابتدا تا انتهایش را طراحی و هدایت کردند.

حقوق بین‌الملل، خط قرمز روشنی کشیده؛ هیچ کشوری حق دخالت در کارهای داخلی کشور دیگر را ندارد. این اصلی است که دنیا پس از جنگ جهانی دوم روی آن توافق کرده و در منشور ملل متحد ثبت شده؛ اما آمریکا در ماجرای ما، عمداً و آشکاراً از این خط قرمز عبور کرد. آنها دقیق و حساب شده عمل کردند: گروه‌هایی را انتخاب کردند، آموزش نظامی و امنیتی دادند، پول کلانی در اختیارشان گذاشتند، اسلحه و امکانات رسانند و از طریق رسانه و سیاست، به آنها جان دادند تا امنیت و آرامش ایران را نابود کنند. حتی شخص رئیس جمهور آمریکا پا پیش گذاشت؛ در سخنرانی‌هایش آشوبگران را تشویق کرد، قول حمایت داد و با دروغ‌پردازی، کارهایشان را موجه جلوه داد. این رفتار دیگر یک موضع دیپلماتیک عادی نیست؛ این دقیقاً یعنی «تحریک به جنایت» و آن تهمتی که به ملت ایران زدند هم فقط یک حرف نبود؛ بخشی از یک جنگ روانی حساب شده بود تا چهره ملتی را خراب کنند و بهانه برای دخالت بیشتر بسازند.

پس مسئولیت این جنایت‌ها به گردن کیست؟ قوانین بین‌المللی می‌گویند اگر دولتی، گروهی را کنترل کند، هدایت کند و از آن حمایت مالی و لجستیکی کند، پس تمام کارهای آن گروه به نام همان دولت ثبت می‌شود. اینجا هم مدارک نشان می‌دهد دستگاه‌های جاسوسی آمریکا ماه‌ها قبل، عوامل اصلی را دست چین کردند، به خارج بردند، دوره‌های خرابکاری دیدند و با پول و نقشه دقیق

فرمان کشتار و تخریب دادند. حرف آخر این است: هیچ قدرتی، هیچ مقامی، بالاتر از قانون نیست. جنایت جنایت است؛ چه در کوچه‌های تهران اتفاق بیفتد، چه در پشت درهای بسته کاخ سفید تصمیم‌گیری شود. مجرم اصلی باید پاسخگو باشد؛ چه اسمش رئیس جمهور یک ابرقدرت باشد، چه نباشد. این، پیام قاطع ملت ایران به دنیاست: ما این فتنه را نه تنها با ایستادگی میلیونی در هم شکستیم، بلکه صحنه سازانش را هم به جهان معرفی کردیم.

## شبهات

شبهه‌پژوهی / فصلنامه علمی و پژوهشی

ماهانماه بویش مطالعاتی دانش‌جویان و طلاب جوان / صاحب امتیاز: مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات (حوزه‌های علمی)

شماره مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۹۲۲۲۱

مدیر مسئول: محمد باقر پورامینی / سردبیر: حمید کریمی

مدیر اجرایی: نیما خوارزمی / همکاران این شماره: علی مجتبی زاده، نصرالله درویشی،

س. اسفندیار / چاپ: نینوا قم

کانال اینستاگرام: @shobahat\_mag

سایت: [www.Shobhe.pasokh.org](http://www.Shobhe.pasokh.org)

pasokh.org | spaskokh.com | wikipasokh.com | pasokh.tv | shobhepajouhi.ir

